



مدت امتحان: ۴۰ دقیقه	ساعت شروع: ۸ صبح	سؤالات امتحان هماهنگ شهر تهران درس: <b>املاي فارسي</b>
صفحه ۱ از ۱	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷	نام و نام خانوادگی:
اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران	<b>پایه نهم دوره اول متوسطه خرداد ماه ۱۴۰۲</b>	

متن املاي فارسي جهت قرائت در جلسه امتحان توسط دبیران گرامی

دوستی و پیوند با دیگران، یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است و مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل‌انگیزی است که احساس آرامش و صفای درون را در ما زنده می‌سازد.

دیوان حافظ، نامه زندگی و زندگی نامه ماست. حافظ فرزانه‌ای است با اندیشه‌های عمیق عرفانی و عواطف ژرف انسانی.

ایران با همه فراخنای فرهنگی و گستردگی جغرافیایی و رنگارنگی لهجه‌ها، به گلستانی می‌ماند که در دامن خود، عزیزکانی را بی‌توجه به رنگ و چهره، نوا و ناله می‌پروراند.

از گوشه صومعه آواز درآمد که: « ای مرد! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلیس زهره ندارد که گردد او گردد.

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی، گشاده روی و خندان باش که خدای تعالی، گشاده‌روی و آسان‌گیر را دوست دارد.

بدان ای مفضل! اگر آدمی را هرگز دردی نمی‌رسید، به چه چیز تواضح می‌کرد برای خدا و تضرع و طلب عافیت می‌کرد نزد او؟ پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است؟

برایت آرزومندم که دشمن نیز داشته باشی، تا گاهی باورهایت را مورد پرسش قرار دهند، که دست کم یکی از آنها اعتراض، به حق باشد، تا زیاده به خودت غره نشوی.

من و شاهزاده کم کم با هم دوست شدیم. من هر روز چیزی از سیاره و از عزیمت او می‌فهمیدم. مثلاً پی بردم که شاهزاده در سیاره خود، گلی دارد که بیش از حد به او مهر می‌ورزد.

« شاداب باشید. »

مدت امتحان: ۴۰ دقیقه	ساعت شروع: ۸ صبح	سوالات امتحان هماهنگ شهر تهران درس: <b>املای فارسی</b>
صفحه ۱ از ۱	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷	نام و نام خانوادگی:
اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران	<b>پایه نهم دوره اول متوسطه خرداد ماه ۱۴۰۲</b>	

این برگه امتحانی مخصوص دانش آموزانی است که برابر مقررات از منشی استفاده می نمایند.  
توجه: در متن زیر بیست غلط املایی در نظر گرفته شده است، صحیح آن را در برگه پاسخ نامه بنویسید.

دوستی و پیوند با دیگران، یکی از مهم ترین نیازهای انسان است و مساحت با یک دوست خوب و شکیباً همچون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سفای درون را در ما زنده می سازد.  
دیوان حافظ، نامه زندگی و زندگی نامه ماست. حافظ فرزانه ای است با اندیشه های عمیق ارفانی و او اطف ژرف انسانی.

ایران با همه فراخنای فرهنگی و گستردگی جغرافیایی و رنگارنگی لجه ها به گلستانی می ماند که در دامن خود، عزیز کانی را بی توجه به رنگ و چهره، نوا و ناله می پروراند.

از گوشه صومئه آواز درآمد که: « ای مرد! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است. ابلص زهره ندارد که گرد او گردد.

ای ابوزر، به اندازه نیاز، سخن بگوی، گشاده روی و خندان باش خداوند تالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد.

بدان ای مُفذل! اگر آدمی را هرگز دردی نمی رسید، به چه چیز طواضع می کرد برای خدا و تذرع و طلب آفیت می کرد نزد او؟ پس نمی بینی که حکیم الیم در هر عمری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است؟

برایت آرزومندم که دشمن نیز داشته باشی، تا گاهی باورهایت را مورد پرسش قرار دهند، که دست کم یکی از آنها اعتراض، به حق باشد، تا زیاده به خودت قره نشوی.

من و شاهزاده کم کم با هم دوست شدیم. من هر روز چیزی از سیاره و از عذیمت او می فهمیدم. مثلاً پی بردم که شاهزاده در سیاره خود، گلی دارد که بیش از حد به او مهر می ورزد.